

آتش‌بیاران خاموش

حسین ابراهیمی در میان آفات زبان، گناهی هست که بی صدا می آید اما ویرانگر می رود؛ «نمیمه» یا همان سخن چینی؛ جرمی که گاه زیر نقاب دلسوزی پنهان می شود، ولی ریشه در خاک تلخ «حسادت» دارد. این پدیده نه یک خطای ساده کلامی، بلکه یک «تور عاطفی» است که با هدف تفرقه افکنی، رشته های محکم دوستی را ازهم می گسلد و دیوار اعتماد را فرومی ریزد. قرآن کریم در ترسیمی شگفت انگیز و تکان دهنده، چهره زشت این رفتار را برمی کشد و می فرماید: «هُمَا زَمْشَاءُ يَمْيِمُ، أَنْ كَه بَسِيَار عَيْبِ جُوسَتِ وَبِرَايِ سَخْنِ چِینِیِ دِر رَفْتِ وَأَمَدِ اسْت.» تعبیر «مَشَاء» نشان می دهد که سخن چین نه تنها یک ناقل، بلکه یک عامل محرک است که خستگی ناپذیر میان دل های دود تا بذر کینه بکارد. این حرکت مذموم، با گناهان دیگری نظیر غیبت و تهمت گره خورده و سرانجامش در دنیا، نامانی و گاه خون ریزی و در آخرت، محرومیت از بهشت است. روایات پیشوایان دین، هشدار را به اوج می رساند. رسول خدا (ص) سخن چینان را «دشمن ترین خلق نزد خدا» معرفی می کنند و می فرماید: «أَنْفُسُكُمْ إِلَى اللَّهِ الْمَشَاوُونَ بِالْيَمِيمَةِ.» آن حضرت با تأکیدی صریح بر جایگاه ناپسند این گناه، می فرماید: «لَا يَدْخُلُ الْجَنَّةَ نَفَامٌ، سَخْنِ چِینِ وَارِدِ بَهْشَتِ نَمِی شُود.» همچنین در کلامی تکان دهنده، غفلت آدمی از عواقب اخروی آن را یادآوری می کنند که: «إِنَّ عَذَابَ الْقَبْرِ مِنَ الْيَمِيمَةِ وَالْغَيْبَةِ وَالْكَذِبِ: عَذَابُ قَبْرِ أَفْرَادِ بَه خَاطِرِ گناه سَخْنِ چِینِیِ وَغَيْبَتِ وَدُرُوعِ اسْت.» نکته ظریف در کلام نبوی اینجاست که گاهی راست گویی هم در لباس سخن چینی، ناپسند است، آنجا که می فرماید: «در سه چیز راست گویی زشت است: سخن چینی، خبر ناخوشایند دادن به مردی درباره خانواده اش و تکذیب کردن خبر کسی.» سخن چینی، تیشه به ریشه اخلاق و اعتماد عمومی می زند. بیاییم با کنترل زبان و مراقبت بر آنچه می شنویم، نگهبان امنیت روانی جامعه باشیم و به جای «مَشَاءِ يَمْيِمِ»، راوی خبر و مصلح میان دل ها بمانیم.

حکمت

گذشته را بخوان تا اشتباه‌ها را تکرار نکنی

علیرضاوکلی یکی از اشتباه‌های ماین است که خیال می‌کنیم هر مسئله‌ای را باید خودمان تجربه کنیم. انگار تجربه دیگران به درد ما نمی‌خورد و باید خودمان زمین بخوریم تا چیزی یاد بگیریم. حضرت امیرالمؤمنین^(ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه، بعد از هشدار درباره فرازونشیب‌های روزگار، راه دیگری پیشنهاد می‌کنند: «گذشته را ببین و از آن یاد بگیر!» حضرت می‌فرماید: «اغْرَضْ عَلَیْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِیْنَ وَتَذَكُّرُهُ یَمَّا أَصَابَ مِنْ كَانَ قَبْلَهُ، گزارش و سرگذشت پیشینیان را برای او دل، نفس و جان! بازگو کن و آنچه بر کسانی که پیش از او بوده‌اند گذشته است، به یادش بیاور!» امام^(ع) گذشته را صرفاً برای دانستن تاریخ مطرح نمی‌کنند، گذشته برای ایشان، ابزار تربیت و تصمیم‌گیری است. یعنی وقتی می‌خواهی راهی را انتخاب کنی، فقط به هیجان امروز نگاه نکن؛ ببین کسانی که پیش از تو این مسیر را رفته‌اند، چه کرده‌اند و به کجا رسیده‌اند. مثلاً جوانی که می‌خواهد یک کسب‌وکار راه بیندازد، اگر فقط تبلیغات موفقیت در فضای مجازی را ببیند، ممکن است تصور کند همه چیز با چند قدم ساده حل می‌شود. اما اگر سراغ تجربه کسانی برود که سال‌ها در همان حوزه کار کرده‌اند، با شکست‌ها، اشتباه‌ها و هزینه‌های واقعی مسیر هم آشنا می‌شود. همین شناخت، می‌تواند جلوی یک تصمیم عجولانه را بگیرد. این نگاه در خانواده نیز کاربرد دارد. پدر و مادری که تجربه‌های زندگی خود را فقط به شکل نصیحت به فرزندشان منتقل می‌کنند، شاید چندان موفق نباشند. اما اگر داستان واقعی تصمیم‌های درست و غلط خود را با او درمیان بگذارند، گذشته تبدیل به یک کلاس زنده می‌شود. قرآن کریم نیز بارها انسان را به دیدن سرگذشت پیشینیان دعوت کرده است: «فَسِیرُوا فِی الْأَرْضِ فَانظُرُوا کَیْفَ کَانَ عَاقِبَةُ الْمُتَكَذِّبِینَ» در زمین بگردید و ببینید سرانجام کسانی که حق را تکذیب کردند، چگونه شد. «آل عمران/ ۱۲۷» پیام‌پدرانه امام^(ع) روشن است: قرار نیست همه اشتباه‌ها را خودت تجربه کنی؛ گاهی عاقلانه‌ترین تصمیم این است که از تجربه کسی یاد بگیری که سال‌ها قبل، همان راه را رفته است. گذشته اگر فقط خاطره باشد، فایده چندان‌ی ندارد اما اگر از آن درس بگیریم، می‌تواند بخشی از آینده ما را نجات دهد.

احکام

خمس، شامل سرمایه هم می‌شود؟

سمانه رضوانی! پرسش بسیاری از فعالان اقتصادی و صاحبان مشاغل آزاد، تکلیف شرعی سرمایه کاری در پایان سال خمسی است؛ با توجه به اینکه شغل بنده آزاد است و مقداری سرمایه برای کسب درآمد دارم، حالا سال خمسی من رسیده است. آیا باید خمس سرمایه‌ام را حساب کنم؟ **شهید آیت‌الله العظمی سیدعلی خامنه‌ای:** سرمایه و آلات و ابزار و ادوات کار که درآمد آن برای امرامعاش عادی و متعارف انسان یعنی در حد شأن اجتماعی او لازم است. مثل تاکسی، وانت بار، ابزار نجاری و آهنگری، وسایل رایانه و... خمس ندارد. **آیت‌الله العظمی مکارم‌شیرازی:** سرمایه خمس دارد؛ مگر سرمایه‌ای که اگر خمس آن را هر چند به صورت تدریجی بدهد، با بقیه آن، زندگی او در حد آبرو و شئونش اداره نمی‌شود، بنابراین اگر با پرداخت خمس آن، لطمه‌ای به کار او نمی‌خورد، باید خمس آن را بدهد. خواه سرمایه تجارت باشد یا زمین و آب و ملک برای زراعت یا ابزار کار. **آیت‌الله العظمی سیستانی:** «سرمایه اساسی» که آن کمترین مقدار سرمایه‌ای است که فرد برای امور زندگی خود و خانواده‌اش - مناسب با آبرو و شأنشان - به آن نیازمند است، طوری‌که با کمتر از آن مقدار، اداره امور زندگی مناسب با شأن خود و خانواده‌اش، غیرممکن یا همراه با سختی طاقت فرسا که معمولاً تحمل نمی‌شود، باشد و یا مجبور می‌شود به کسی که شایسته شأن او نیست، مشغول شود. «سرمایه اساسی» در صورتی‌که از درآمد بین سال تهیه شده باشد - نه از مال مخمس یا در حکم مخمس - مؤونه محسوب نمی‌شود و لازم است خمس آن پرداخته شود؛ مگر آنکه فرد هم اکنون یا در آینده نه چندان دور، نتواند خمس سرمایه اساسی را بپردازد؛ به این معنا که اگر خمس آن را هر چند با دستگردان و پرداخت به صورت اقساط در طی چند سال بپردازد، اداره امور زندگی مناسب با شأن و به صورت معمول، غیرممکن یا همراه با سختی طاقت فرسا که معمولاً تحمل نمی‌شود، باشد یا آنکه مجبور می‌شود به کسی که شایسته شأن او نیست، مشغول شود. در این صورت، پرداخت خمس سرمایه لازم نیست؛ البته اگر می‌تواند خمس قسمتی از سرمایه را به صورت نقد یا اقساط بدهد، پرداخت همان مقدار لازم است، «سرمایه توسعه‌ای» که آن اضافه بر سرمایه اساسی است و برای توسعه و گسترش فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته می‌شود، پرداخت خمس سرمایه توسعه‌ای، اگر از درآمد بین سال تهیه شده، واجب است.



وقتی زبان، ابزار دشمنی با خدا می‌شود



سخن چینی، حرام است و مجازات تعزیر دارد

فقه نیز موضع صریحی دربرابر سخن چینی دارد و آن را از گناهان کبیره و حرام می‌داند، دیلمی در «ارشاد القلوب»، گناه آن را از گناه غیبت بزرگ‌تر شمرده است. از نظر فقهای شیعه، کسب مال به وسیله سخن چینی حرام است و همچنین اگر کسی به دیگری نسبت سخن چینی دهد، حکم او تعزیر است. علامه حلی می‌گوید نباید فرد سخن چین را به جنگ برد و از غنایم جنگی چیزی به او داد. این همه تأکید به دلیل آثار منفی و عواقب بدی است که با سخن چینی گریبان‌گیر فرد، خانواده و جامعه می‌شود.

خدا دعای سخن چین را اجابت نمی‌کند

یکی از آثار منفی سخن چینی و حرف بردن و آوردن با نیت دویه هم‌زنی و تفرقه بین دیگران، اجابت نشدن دعاست. بسیار می‌شنویم که این همه داعایی که می‌کنیم، چرا مستجاب نمی‌شود؟ چرا همه آنچه از خدایم خواهیم، نمی‌رسیم؟ غافل از آنکه گناهانی مثل سخن چینی که برای برخی عادت شده، سد محکم اجابت است. نقل شده است بنی اسرائیل دچار قحطی شدند. حضرت موسی^(ع) چندین بار از خدا تقاضای باران کرد. خدا به وی وحی کرد: «درمیان شما سخن چینی است که تا زمانی که بر سخن چینی خود اصرار کند، پاسخ شما را نمی‌دهم.» موسی^(ع) پرسید: «خدا یا! او کیست تا از میان خود اخراجش کنیم؟» فرمود: «ای موسی! من خود، شما را از سخن چینی برحذر می‌دارم؛ چگونه را از او را بر ملا سازم؟» آنان به صورت جمعی توبه کردند و خدا برایشان باران فرستاد. (بهار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۶۸)

باعث کینه و دشمنی است

اگرچه صلح و صفا از ارکان یک جامعه مطلوب است و پیوند میان انسان‌ها را محکم‌تر می‌کند، در مقابل، سخن چینی موجب احساس کینه و دشمنی بین افراد و فراتر از آن، گاه بین افراد یک فامیل یا جامعه می‌شود. از امیرالمؤمنین علی^(ع) روایت شده است: «از سخن چینی بپرهیزید؛ زیرا بذر کینه را می‌افشانند و بین خدا و مردم، فاصله می‌اندازد.» چه بسیار ارتباط‌های صمیمانه که با سخن چینی به دشمنی ختم شده و چه بسیار آتش‌های دشمنی و کینه که با این عمل زشت و حرام، شعله‌ور شده و خرمن ارتباطات مثبت را سوزانده و خاکستر کرده است. خوب است قبل از بدگویی و حرف بردن و آوردن، به پل‌هایی که خراب می‌شود، فکر کنیم.

با سخن چین، همراهی نکنیم

یکی از راه‌های برخورد و کمک به درمان سخن چینی، آن است که به شخص سخن چین روی خوش نشان ندهیم، بلکه با او چنان برخورد کنیم که به خود اجازه ندهد حرف دیگران را پیش ما نقل کند، وگرنه شریک جرم او شده و در این کار تشویقش کرده‌ایم. سخن چین همان‌طور که سخن دیگران را نزد ما افشا می‌کند، سخن ما را نیز پیش دیگران بر ملا خواهد کرد. امام علی^(ع) فرمودند: «کسی که سخن دیگران را نزد تو می‌آورد (یقیناً) سخن تو را نزد دیگران می‌برد.» (الاحتجاج)

برگرفته از کتاب «ادب فنای مقربان»، آیت‌الله جوادی آملی

آمنه مستقیمی! زبان در آموزه‌های دینی ما مستعدترین و آماده‌ترین عضو برای انداختن انسان به ورطه گناهانی است که می‌توانند زندگی خانوادگی و اجتماعی انسان را به سمت سقوط، فروپاشی و بدبختی ببرند، مثل سخن چینی که در ظاهر در حال بردن و آوردن حرف نزد این و آن است اما چه بسا باعث جنگ، خونریزی و کشته شدن انسان‌های بی‌گناه شود. در ادامه، این پدیده ناپسند و عواقبش را با هم بررسی می‌کنیم.

گزارش

آفت ارتباطات انسانی

یکی از آفات مهم زبان که از رذایل اخلاقی محسوب می‌شود، سخن چینی یا نمایی است. سخن چینی به عملی گفته می‌شود که فردی، حرف کسی را که پشت سر دیگری گفته است، به وی بازگوید، مثلاً بگوید فلانی درباره تو چنین و چنان گفت یا درباره تو چنین و چنان کرد. همچنین به نوع خاصی از افشای سر و پرده‌داری که همراه بدگویی و دشمنی است، گفته می‌شود. کسی هم که به قصد برهم زدن روابط دوستانه دیگران، سخن هریک را نزد دیگری بازگو می‌کند، سخن چین یا ثمام نام دارد. سخن چینی معمولاً با افشای سر، تهمت، نفاق، حسادت، دروغ و غیبت همراه است.

وای بر سخن چینان!

سخن چینی به اندازه‌ای در آموزه‌های دینی زشت و ناپسند است که قرآن کریم دربرابر آن موضع صریح گرفته، می‌فرماید: «وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ: وای بر هر عیب‌جوی سخن چین!» (همزه: یک خدای متعال همچنین در آیه ۱۲ سوره مبارک قلم در نکوهش سخن چینان می‌فرماید: از کسانی که بسیار عیب‌جو و سخن چین هستند، پیروی مکن!) در نگاه قرآن، انسان‌های سخن چین، بی‌اصل و نسب هستند که این تعبیر، زشتی و بزرگی این گناه را نشان می‌دهد.

دشمن‌ترین افراد نزد خدا، سخن چینان‌اند

ائمه اطهار^(ع) در روایات به شدت سخن چینی را نهی و برای آن، آثار و عواقب منفی بسیار بیان می‌کنند. حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع) می‌فرماید: «بدترین شما کسانی هستند که سخن چینی می‌کنند و میان دوستان، جدایی می‌افکنند و دنبال عیوب افراد پاک‌دامن می‌روند.» (کافی، ج ۲، ص ۳۶۹) و از پیامبر (ص) روایت شده است که فرمودند: «دشمن‌ترین شما نزد خدا کسانی هستند که برای سخن چینی بین دوستان، کوشش می‌کنند و جمعیت‌های متشکل را پراکنده می‌سازند و کارشان، تفرقه افکنی میان انجمن‌ها و عیب‌جویی از یک‌دکان و نیکان است.» (مسندک الوصائل، ج ۹، ص ۱۵۰) آن حضرت همچنین برای نشان دادن شدت زشتی این عمل می‌فرماید: «دشمن‌ترین شما نزد خدا، سخن چینان‌اند.»

الزامات بهره‌برداری از وقف برای پاسخ به نیازهای امروز



دکتر حسین خواجه‌نهر، پژوهشگر علوم رفتار و مدیریت

شعار «همه واقف باشیم» کمک خواهد کرد و در این مسیر، ایجاد شفافیت با راهکارهایی نظیر گزارش دهی روشن و فراهم کردن امکان ارزیابی عملکرد موقوفات، می‌تواند این اعتماد را تقویت و راه وقف‌های تازه را هموار کند. یکی دیگر از الزامات ترویج وقف، ایجاد پیوند بین نیت واقفان و نیازهای امروز جامعه در عرصه‌های آموزش، درمان، اشتغال، محیط زیست، فناوری، مسکن، حمایت از استعداد های علمی و ... است. یقیناً ترویج و تعریف وقف در این عرصه‌ها با تدوین «اطلس نیازهای وقفی» و معرفی اولویت‌های وقفی و طراحی بسته‌های روشن و قابل اعتماد، «وقف مسئله‌محور» را از یک ایده به برنامه‌ای عملی تبدیل وبه واقفان و خیران کمک می‌کند آگاهانه‌تر تصمیم بگیرند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد با توجه به شرایط

جای تأسف است که گاه، برخی موقوفات، با وجود ارزش فراوان، بازده اقتصادی مناسبی ندارند. ملکی که می‌تواند منشأ خدمات‌گسترده باشد، گاه به دلیل فرسودگی یا نبود برنامه‌ای برای احیا و بهره‌برداری، کم‌اثر باقی می‌ماند. بی‌تردید سرمایه‌گذاری ایمن و مولد با رعایت نیت واقف و غبطه وقف، می‌تواند این دارایی‌ها را دوباره به جریان خدمت بازگرداند. ازسوی دیگر، کاستی‌های مدیریتی و نبود شفافیت کافی، گاه اعتماد عمومی را کاهش می‌دهد. اعتماد واقفان و خیران، زمانی تقویت می‌شود که آثار اجتماعی وقف و چگونگی اداره منابع آن را ببینند. اگر مردم به روشنی بدانند که موقوفات چگونه اداره می‌شود و منافع آن‌ها به کدام بخش جامعه می‌رسد، باطمینان و انگیزه بیشتری به تحقق

وقف، جاری ساختن خبر در زندگی نسل‌های آینده و یکی از راه‌های زیبای ماندگار کردن نیکی است و می‌توان آن را از مصادیق برجسته باقیات صالحات دانست که در آیه ۴۶ سوره کهف به آن اشاره شده است: «وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ مِنْ ذِكْرِ ثَوَابٍ وَخَيْرٌ أَمَلًا» یعنی آثار ماندگار شایسته، ثوابش نزد پروردگارت، بهتر و امیدبخش‌تر است. وقف، سنتی ریشه‌دار است که در طول تاریخ، هزاران مدرسه و بیمارستان ساخته، دست نیازمندان بسیاری را گرفته و چراغ دانش و معنویت را روشن نگه داشته است. باین حال، بهره‌گیری کامل از این ظرفیت عظیم، نیازمند بازنگری شیوه‌های مدیریت و جهت دهی منابع وقفی است. وقف، همچنان می‌تواند گره‌های بسیاری را بگشاید، به شرط آنکه هم نگاه ما به آن به روز شود و هم شیوه اداره موقوفات با نیازهای زمانه، هماهنگی بیشتری پیدا کند.

درنگ